۳م نوامبر ۱۹۸۵ فایل ۴۶ ۶۳ 94

خاله جان لیلی عزیزم سلام.

این هم یک نامه‌ایست که برایتان می‌نویسم. امیدوارم حالتان بهتر شده باشد و در حال حاضر کسالتی نداشته باشید.

در روز شنبه منوچهر با برادرزاده حمید [illegible] برای من آمده بود که وکالت [illegible] را [illegible] درست و تنظیم کرده بود. با خودش نیاورده بود ولی همانش هم این [illegible] بعد هم با [illegible] به مسافرت کوتاهی رفته و مدارک نزد ایشان بود. البته [illegible] در آمریکا [illegible] . به هر حال همین حالا نزد من مانده است. نمی‌دانم با آن چکار کنم.

ما همچنان به کارهای زندگی مشغولیم. سینا درس می‌خواند و [illegible] اندازه که هم نامه نوشتن [illegible] اولین نامه را برای خاله عزیزش نوشت [illegible] را [illegible] فرستاده است. پاپا در باره‌ی تحصیلاتش از [illegible] لیلی [illegible] و خیلی [illegible] (ورزشش) را با شما صحبت می‌کرد. [illegible] پیش [illegible] پیش [illegible] و [illegible] شروع و [illegible] شب طبق معمول به حافظ ختم شد. [illegible] سلام [illegible] و نامه‌ای برای شما نوشته‌اند. [illegible] فرزین - [illegible] - مشهد - کوروش - ایرج و [illegible] به شما سلام دارند و تشکر از زحمات و محبت‌های شما [illegible]. قربانتان [illegible]